

Scopus فصلنامه ژئوپلیتیک - سال پانزدهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۸

صص ۱۱۸-۱۴۵

سرمایه اجتماعی بین‌المللی؛ چارچوبی برای تبیین روابط ایران و عربستان

دکتر رضا خلیلی* - استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی

حامد مهربان اینچه‌برون - دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی از دانشگاه خوارزمی تهران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۱۷

چکیده

با وجود اینکه روابط پر فراز و نشیب ایران و عربستان به عنوان دو کشور تأثیرگذار خاورمیانه در سال‌های پس از انقلاب اسلامی مورد توجه بسیاری از محققین و صاحب‌نظران بوده و از زوایای مختلف به آن پرداخته شده، اما تاکنون به تأثیر "سرمایه اجتماعی بین‌المللی" بر روابط ایران و عربستان پرداخته نشده است. بر این اساس پرسش اصلی مقاله این است که سرمایه اجتماعی بین‌المللی چه تأثیری بر روابط ایران و عربستان در سال‌های پس از انقلاب اسلامی داشته است؟ در پاسخ به پرسش مذکور بر این فرضیه تأکید می‌شود که میان نوسان در روابط ایران و عربستان در سال‌های پس از انقلاب اسلامی و نوسان در میزان سرمایه اجتماعی بین‌المللی آنها همبستگی وجود دارد. در واقع هدف نویسندگان مقاله این است که با نقد و بررسی رهیافت‌ها و رویکردهای موجود، از «سرمایه اجتماعی بین‌المللی» به عنوان چارچوبی متفاوت یاد کرده و مبانی تئوریک، مؤلفه‌های مفهومی و نحوه کاربست آن برای تبیین روابط ایران و عربستان را مورد بررسی قرار دهند و در نهایت نیز با استفاده از روش همبستگی، میزان ارتباط متغیرهای مذکور را مشخص کنند. واژه‌های کلیدی: روابط خارجی، ایران، عربستان، رویکردهای نظری، سرمایه اجتماعی بین‌المللی.

۱. مقدمه

ایران و عربستان به عنوان کشورهای تأثیرگذار بر فرایند صلح و ثبات منطقه‌ای، دچار ناسازواری‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و به ویژه امنیتی در سال‌های پس از انقلاب اسلامی بوده‌اند که این وضعیت نه مانع همکاری نزدیک و نه اصلی‌ترین عامل منازعه بین آنها بوده است. در واقع دو کشور پس از وقوع انقلاب اسلامی تحولات بسیاری را در روابط خود شاهد بوده‌اند که در طیفی گسترده از همکاری نزدیک تا روابط خصمانه در نوسان بوده است. امضای تفاهم‌نامه امنیتی بین دو کشور در سال ۱۳۸۱ و دو بار قطع روابط دیپلماتیک در سال‌های ۱۳۶۶ و ۱۳۹۴ از مهم‌ترین نمودهای این نوسانات هستند.

با وقوع انقلاب اسلامی و شروع جنگ ایران و عراق، اختلافات سیاسی و بدگمانی ایران و عربستان نسبت به یکدیگر منجر به قطع روابط دیپلماتیک دو کشور به مدت سه سال شد. در اواخر دهه شصت، با به قدرت رسیدن آقای هاشمی رفسنجانی که از او با عنوان «معمار روابط ایران و عربستان» یاد می‌شود، روابط دو کشور وارد مرحله جدیدی از تنش‌زدایی و روابط دوستانه شد. این روند در نهایت در دوران ریاست جمهوری آقای سید محمد خاتمی علاوه بر گسترش مناسبات اقتصادی، فرهنگی و سیاسی به امضای تفاهم‌نامه امنیتی بین دو کشور ختم شد تا «دوران طلایی» روابط آنها شکل بگیرد. پس از این دوره شانزده ساله و ورود رسمی اصول‌گرایان به سپهر سیاست در سال ۱۳۸۴، مؤلفه‌های جدیدی از موضوعات تنش‌زا، روابط دو کشور را به حاشیه برد و نوعی «جنگ سرد» بر روابط آنها حاکم شد. ابعاد این جنگ سرد به گونه‌ای بود که علاوه بر تحت تأثیر قرار دادن مناسبات متداول اقتصادی، سیاسی و امنیتی، حتی تبادل زائران بین دو کشور را نیز با چالش مواجه کرد. این روند در نهایت پس از ماجرای اعدام شیخ نمر، روحانی شیعی و متعاقب آن حمله به سفارت و کنسولگری عربستان در تهران و مشهد منجر به قطع روابط دیپلماتیک دو کشور در سال ۱۳۹۴ شد.

نوسانات گسترده در روابط ایران و عربستان به عنوان دو کشور مهم منطقه باعث شده اندیشمندان و کارشناسان بسیاری سعی در تبیین روابط آنها داشته باشند که این تلاش‌ها منجر به

شکل‌گیری دیدگاه‌ها و نظریات مختلفی در این زمینه شده است. گرچه هر کدام از این رویکردها قابلیت تبیین مقاطع یا دوره‌هایی از روابط دو کشور را داشته‌اند، اما هیچ کدام از آنها قادر به تبیین نوسانات روابط آنها در تمامی سال‌های پس از انقلاب اسلامی نبوده‌اند. بر این اساس مسئله اساسی این مقاله را از یک سو بررسی و نقد دیدگاه‌ها و نظریات موجود درباره روابط ایران و عربستان و از سوی دیگر معرفی "سرمایه اجتماعی بین‌المللی" به عنوان رویکردی نوین قرار داده‌ایم و می‌کوشیم نوسانات روابط دو کشور در سال‌های پس از انقلاب اسلامی را بر این اساس تحلیل کنیم. پرسش اصلی این است که سرمایه اجتماعی بین‌المللی چه تأثیری بر روابط ایران و عربستان در سال‌های پس از انقلاب اسلامی داشته است؟ از آنجا که هم سرمایه اجتماعی بین‌المللی و هم روابط ایران و عربستان به عنوان متغیرهای پژوهش مفاهیمی کلی هستند، سعی می‌کنیم برای بررسی دقیق‌تر به چهار پرسش فرعی بر اساس ابعاد اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی سرمایه اجتماعی بین‌المللی از یک سو و ابعاد اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی روابط ایران و عربستان از سوی دیگر پردازیم. در پاسخ به پرسش اصلی بر این فرضیه تأکید می‌شود که میان نوسان در روابط ایران و عربستان در سال‌های پس از انقلاب اسلامی و نوسان در میزان سرمایه اجتماعی بین‌المللی آنها همبستگی وجود دارد. این فرضیه را با تأکید بر ابعاد چهارگانه هر دو متغیر ابتدا در قالب فرضیات فرعی بر اساس داده‌های دقیق و کمی مورد بررسی قرار می‌دهیم و سپس از این طریق به آزمون فرضیه اصلی پرداخته می‌شود.

بررسی موضوع در سه بخش انجام می‌شود. ابتدا با بهره‌گیری از اسناد و منابع کتابخانه‌ای به ارزیابی و نقد رویکردهای نظری موجود درباره روابط ایران و عربستان پرداخته و سپس مبانی مفهومی و نظری سرمایه اجتماعی بین‌المللی به عنوان رویکردی نوین را تبیین می‌کنیم. در بخش دوم به بررسی ابعاد و شاخص‌های سرمایه اجتماعی بین‌المللی از یک سو و روابط ایران و عربستان از سوی دیگر می‌پردازیم تا بنیان یک سنجش کمی و دقیق در این زمینه گذاشته شود و در نهایت نیز با اتکا به داده‌های آماری موجود به بررسی میزان همبستگی میان ابعاد و شاخص‌های سرمایه اجتماعی بین‌المللی ایران و عربستان و روابط دو کشور به عنوان متغیرهای

پژوهش می‌پردازیم تا بدین ترتیب نه تنها نحوه و میزان ارتباط آنها با یکدیگر به صورت دقیق مشخص شود، بلکه قابلیت سرمایه اجتماعی بین‌المللی برای تبیین دقیق‌تر روابط ایران و عربستان نیز آشکار گردد.

۲. روش تحقیق

انجام این تحقیق در سطوح نظری و کاربردی مستلزم بهره‌گیری از روش‌های خاص خود است. در سطح نظری همچنان که مشاهده شد ابتدا با بهره‌گیری از اسناد و منابع کتابخانه‌ای به توصیف و نقد رویکردهای موجود پرداخته شد. در مرحله بعد مبنای مفهومی و نظری سرمایه اجتماعی بین‌المللی به عنوان رویکرد نوین تبیین شد و بر همین اساس در سطح کاربردی باید پس از مشخص کردن ابعاد و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بین‌المللی، سنجش کمی شاخص‌های آن در دستور کار قرار گیرد تا در نهایت با اتکا به داده‌های آماری موجود به تحلیل میزان همبستگی سرمایه اجتماعی بین‌المللی ایران و عربستان و نوسان در روابط آنها پرداخته شود.

۳. مباحث نظری

آشکار کردن قابلیت سرمایه اجتماعی بین‌المللی برای تبیین روابط ایران و عربستان مستلزم آن است که از یکسو نقاط قوت و ضعف دیدگاه‌ها و نظریات موجود درباره روابط ایران و عربستان مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرند و از سوی دیگر قابلیت‌های نظری و عملی سرمایه اجتماعی بین‌المللی برای دستیابی به این هدف مشخص شوند. بر این اساس در ادامه طی دو بخش ابتدا به بررسی و نقد دیدگاه‌ها و نظریات موجود در این زمینه می‌پردازیم و سپس مبنای مفهومی و نظری سرمایه اجتماعی بین‌المللی را با توجه به نقاط قوت و ضعف دیدگاه‌ها و نظریات موجود بررسی می‌کنیم.

۳-۱. روابط ایران و عربستان: بررسی دیدگاه‌ها و نظریات موجود

نوسان در روابط ایران و عربستان در سال‌های پس از انقلاب اسلامی و تحولات مختلف در روابط دو کشور باعث شده است رویکردهای مختلفی در این زمینه شکل گیرد. با بررسی این دیدگاه‌ها و نظریات می‌توان آنها را در قالب رویکرد تصمیم‌گیری^۱، رویکرد امنیتی^۲، رویکرد ایدئولوژیک^۳، رویکرد هژمونیک^۴، رویکرد ساختاری^۵ و در نهایت رویکرد تلفیقی تقسیم‌بندی کرد که در ادامه به مرور و بررسی آنها می‌پردازیم تا زمینه برای پرداختن به سرمایه اجتماعی بین‌المللی به عنوان رویکردی نوین مهیا شود.

۳-۱-۱. رویکرد تصمیم‌گیری

طرفداران رویکرد تصمیم‌گیری مهم‌ترین عامل تنش در روابط ایران و عربستان را نخبگان (به ویژه نخبگان ابزاری) معرفی می‌کنند و معتقدند در صورتی که حکمرانان میانه‌رو در ایران و عربستان در مسند قدرت قرار گیرند، مناسبات دو کشور در حالت مر سوم همکاری تا رقابت پیش می‌رود. بر این اساس آنها توسعه روابط ایران و عربستان در دوران ریاست جمهوری آقایان هاشمی رفسنجانی و خاتمی را مؤیدی بر این امر می‌دانند، همچنان که مواضع تند سیاست خارجی ایران در دوران آقای احمدی‌نژاد را نیز عامل به حاشیه بردن روابط تهران و ریاض تلقی می‌کنند (Hadian, 2006: 88). در این راستا برخی معتقدند مؤثرترین، سهل‌ترین و سریع‌ترین راه اصلاح برداشت‌ها استفاده از یک امکان موجود در دیپلماسی ایرانی یعنی دیپلماسی مبتنی بر روابط شخصی رهبران است (Vaezi, 2008: 4). در واقع طرفداران این رویکرد با تأکید بر نقش نخبگان بر این باورند که دو کشور می‌توانند با اولویت بخشیدن به دیپلماسی شخصی برای اصلاح برداشت‌ها و گفت‌وگو در مورد مسائل مهم منطقه اقدام کنند.

-
1. Decision Approach
 2. Security Approach
 3. Ideological Approach
 4. Hegemonic Approach
 5. Structural Approach

۲-۱-۳. رویکرد امنیتی

طرفداران رویکرد امنیتی از نگرش متفاوت و تلاش ایران و عربستان برای بقا به عنوان مهم‌ترین سد توسعه روابط دو کشور یاد می‌کنند. بر اساس استدلال این افراد، استقبال عربستان سعودی از تداوم و گسترش حضور و نقش‌آفرینی قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای، به خصوص آمریکا در خاورمیانه و در نتیجه، تقویت روابط استراتژیک و نظامی خود با غرب (Mosalanejhad, 2012: 150-151) از یکسو و مخالفت جمهوری اسلامی ایران با حضور نظامی و سیاسی قدرت‌های بزرگ در منطقه و اعتقاد به تأمین ثبات آن تنها از طریق ترتیبات سیاسی و امنیتی بومی و با مشارکت کشورهای منطقه (Asadi, 2013: 13) از سوی دیگر باعث برجسته شدن اختلافات دو کشور و بروز تعارضات امنیتی میان آنها شده است. در چارچوب این رویکرد برخی نیز از منظر نظریه واقع‌گرایی انگیزشی که موضوع اصلی آن بحث در مورد دولت‌های جویای امنیت است به روابط ایران و عربستان سعودی نگرسته‌اند. این نظریه در برابر دولت‌های جویای امنیت، دولت‌های طمع‌کار را قرار می‌دهد و در مقابل واقع‌گرایی ساختاری که دولت‌ها را جویای امنیت فرض می‌کند، بر اهمیت تغییر در انگیزه‌ها و اهداف بازیگران تأکید دارد (Sadeghi-e Aval, 2015: 132).

۳-۱-۳. رویکرد ایدئولوژیک

طرفداران این رویکرد، محور اصلی تضاد جمهوری اسلامی ایران با عربستان سعودی را در نقش‌های هویتی متضادی می‌بینند که این دو بازیگر به تبع ایدئولوژی‌های مختلف و متعارض برای خود قائلند. بر این اساس استدلال می‌شود نقشی که امروزه عربستان سعودی در سطوح مختلف جغرافیایی شبه جزیره عرب، خلیج فارس، خاورمیانه، شاخ آفریقا و نظام بین‌الملل و سطوح سیاسی و مذهبی جهان اسلام، دنیای عرب و سازمان اوپک برای خود قایل است، ناشی از هویت آن کشور است (Mansouri Moghadam, 2012: 93-94; Mosalanejhad, 2014: 76-79). حتی منازعات و کشمکش‌های دو کشور در بحرین، عراق، سوریه و یمن نیز ناشی از این

موضوع تلقی می‌شود (Niakuei, and Sotoudeh, 2015: 96-99; Khezri et.al, 2015: 180-186). در این راستا برخی معتقدند «هر آنچه بعد از انقلاب اسلامی در سیاست خارجی ایران شکل گرفت، دارای بنیادهای ایدئولوژیک بود» (Karimian-e Habili and Alborzi, 2015: 200) که عربستان سعودی آن را مانعی برای ادامه سیاست منطقه‌ای خود قلمداد می‌کند. به عبارت دیگر با وقوع انقلاب اسلامی، تقابل وهابیت در مقابل تشیع و عربیت در مقابل عجم رسمیت یافت (Roohi Dehnebeh, 2011: 82-87; Shahverdi, 2014; Jahner, 2012; Sharma, 2016; Mottaghi, 2015: 148-150) و این تقابل ایدئولوژیک باعث شده است تا دو کشور تلقی و بازنمایی‌های متفاوتی از تحولات منطقه‌ای داشته باشند، چنانکه عربستان سعودی آنها را یک مسئله کاملاً عربی و بهار عربی می‌نامد، در حالی که جمهوری اسلامی ایران از آنها به عنوان بیداری اسلامی یاد می‌کند که از انقلاب اسلامی الهام گرفته‌اند (Mousavi and Telliabi, 2012: 84).

۳-۱-۴. رویکرد هژمونیک

بیشتر اندیشمندانی که در قالب رویکرد هژمونیک سعی در تبیین روابط ایران و عربستان سعودی داشته‌اند، متأثر از نظریه موازنه قوا هستند. طرفداران این رویکرد را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد: گروهی معتقدند قدرت ایران در منطقه افزایش یافته است و عربستان سعی در بازگشت به قبل از این وضعیت و تلاش برای تقویت موقعیت خود در منطقه دارد (Nuralivand, 2017: 9; Naderi Nasab, 2010: 333). این گروه ضمن بررسی و تحلیل محورهای تقابل عربستان با ایران (Harati, 2015: 172)، معتقدند تلاش عربستان سعودی برای افزایش نفوذ و قدرت خود در منطقه و احیای موازنه قوای سستی از سوی آن، مهم‌ترین عامل منازعه بین دو کشور است (Adami and Pouresmaeili, 2012: 156-160; Nejat, 2014: 637-640; Ghorbani, 2012; Peak, 2016).

گروه دوم معتقدند قدرت عربستان در منطقه افزایش پیدا کرده است و این موضوع را عامل منازعه معرفی می‌کنند. این گروه، برخلاف دیدگاه فوق به این نتیجه رسیده‌اند که حتی افزایش

قدرت ايران نيز در نهايت به نفع عربستان تمام خواهد شد؛ زيرا كشورهاي عرب سنى با مشاهده افزايش قدرت ايران شيعى به عربستان نزديك‌تر خواهند شد (Tabyin Strategic Center, 2012: 40; Javdani Moqaddam, 2012: 39; 2013). برخى نيز معتقدند دو رقيب عربستان سعودى يعنى عراق و ايران با سقوط صدام و درگيرى ايران با غرب بر سر برنامه هسته‌اى، از رقابت با عربستان خارج شده‌اند و توانمندى‌هاي عربستان در انرژى، صنعت، عرصه‌هاي علمى، فرهنگى، اجتماعى و دينى، افزايش قدرت نظامى و عرصه‌هاي سياسى را مؤيد اين امر مى‌دانند (Sadeghi, and Ahmadian, 2010: 140-145).

۵-۱-۳. رويکرد ساختارى

بر اساس استدلال طرفداران اين رويکرد، تا زمانى كه عناصر حيات‌بخش بحران‌هاي سياسى، اجتماعى، فرهنگى و اقتصادى در منطقه كه تنيدگى فزاينده‌اى با جغرافياى خارج از منطقه دارند محو نشوند، نمى‌توان به حل مشكلات در روابط ايران و عربستان خوشبين بود (Dehsheiar, 2009). به عبارت ديگر روابط دو كشور تنها زمانى حالت خصمانه به خود گرفته و اين موضوع زمانى بدبينانه شده كه طرف مورد نظر نه به اراده مستقل خود، بلكه به اراده طرف ثالث براى ابراز خصومت با طرف ديگر تمكين كرده و پا به پاى او براى از ميان بردن رقيب منطقه‌اى خود گام برداشته است (Hafezian, 2009: 10-14; Jalinus et al, 2014: 187-190). در واقع از ديدگاه طرفداران اين رويکرد رفتار خصمانه بين ايران و عربستان ناشى از قطع ارتباط ايران با ايالات متحده پس از پيروى انقلاب اسلامى تلقى مى‌شود (Ibrahimifar, 1999; Ekhtiari, 2011). به طور كلى بر اساس استدلال طرفداران اين رويکرد، تحول در روابط ايران و كشورهاي حوزه خليج فارس، خصوصاً عربستان سعودى، بيش از هر چيز ناشى از تغييرات به وجود آمده در ساختار نظام بين‌الملل و مناسبات ميان اين كشورها و قدرت‌هاي بزرگ مى‌باشد كه آثار آن بر شكل‌گيرى نظام‌هاي سياسى، امنيتى و اقتصادى منطقه و حتى در سطح تفكر رهبران، نخبگان سياسى و سياستگذاران داخلى و خارجى نمايان گرديده است (Barzegar, 2003: 211-216; Roshandel and Seifzadeh, 2003).

۶-۱-۳. رویکرد تلفیقی

در عین حال که هر یک از رویکردهای مذکور طرفداران خاص خود را دارند، اما برخی نیز با تلفیق عناصر و مؤلفه‌های این رویکردها، مسائل و چالش‌های موجود میان ایران و عربستان سعودی پس از انقلاب اسلامی را شامل ترکیبی از اختلافات ایدئولوژیک، امنیت خلیج فارس، افزایش حوزه نفوذ ایران، مسئله هسته‌ای ایران، سیاست‌های نفتی متفاوت دو کشور، نگرش متفاوت به نیروی سوم، تفاوت‌های قومی-مذهبی، تفاوت ساختارهای سیاسی، تفاوت در ایستارهای امنیتی، بی‌اعتمادی و رقابت مستمر و ساختارهای اقتصادی غیرمکمل می‌دانند که مانع همکاری دو کشور شده است (Aghaei, and Ahmadian, 2010: 11-15). به طور کلی اندیشمندیانی که در قالب این رویکرد قرار می‌گیرند، معتقدند عوامل ایدئولوژیک (تلاش برای معرفی خود به عنوان ام‌القری جهان اسلام، تفاوت‌های دینی، قومی، امنیتی و تفاوت در ساختارهای سیاسی) و ساختاری (دخالت و حضور آمریکا در منطقه به نفع عربستان و علیه ایران) باعث تشدید اختلافات هژمونیک بین دو کشور شده و به همین جهت روابط آنها از حالت رقابت فراتر رفته و به منازعه ختم شده است (Saei, and Alikhani, 2013: 129-153; Mirtorabi, 2011: 160-165; Janseis, et.al, 2014). در واقع از دیدگاه این افراد علل مختلف ایدئولوژیک، هژمونیک، امنیتی و ساختاری هر کدام به درجات مختلف روابط ایران و عربستان را تحت تأثیر قرار داده‌اند (Naderian, 2012; Gru met, 2015; Alghunaim, 2014; Rizwan, et al, 2014) که باید به همه آنها در کنار یکدیگر توجه داشت.

۲-۳. سرمایه اجتماعی بین‌المللی به عنوان رویکردی نوین

با وجود اینکه هر یک از رویکردهای تبیین‌کننده روابط ایران و عربستان برخی ابعاد و زوایای پنهان موضوع را آشکار می‌کنند و در جایگاه خود از قابلیت‌های منحصر به فردی برخوردار هستند، اما برای دستیابی به تبیینی جامع و در عین حال دقیق از روابط ایران و عربستان باید از نقاط ضعف و مشکلات هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و روش‌شناختی رویکردهای موجود

درباره روابط دو کشور فراتر رفت. نقاط ضعف رویکرد تصمیم‌گیری را می‌توان شامل توجه به مقاطع خاص تاریخی، بی‌توجهی به نقش ساختار نظام بین‌الملل (نقش قدرت‌های بزرگ)، بی‌توجهی به نقش انگاره‌ها و منافع عینی، مادی‌گرایی، فردگرایی و در نهایت تقلیل‌گرایی دانست. بی‌توجهی به منافع عینی، تقلیل‌گرایی و بی‌توجهی به ساختار نظام بین‌الملل را می‌توان از نقاط ضعف رویکرد ایدئولوژیک نیز بر شمرد. رویکرد امنیتی به تقلیل‌گرایی و مادی‌گرایی یا بی‌توجهی به نقش ایدئولوژی در روابط دو کشور متهم است. رویکرد هم‌موزیک د چار مادی‌گرایی و تقلیل‌گرایی است. گرچه این رویکرد از حیث روش شناختی اثبات‌گراست، اما به دنبال قوانین حاکم بر رفتار دولت‌ها و نظریه‌ای صرفه‌جویانه است که ابعاد تجویزی نیز دارد؛ زیرا تأکید می‌کند که روابط ایران و عربستان صرفاً زمانی بهبود پیدا می‌کند که توازن قوا بازگردد و به این دلیل می‌توان گفت تا حدی مطلق‌گراست. رویکرد ساختاری نیز مانند رویکردهای دیگر به مادی‌گرایی و کل‌گرایی متهم شده است و بالاخره رویکرد تلفیقی هم نتوانسته نقاط ضعف رویکردهای گذشته را برطرف کند و به شیوه‌ای دیگر در دام مجموعه‌ای متناقض از مشکلات افتاده است.

با توجه به این نکات، به نظر می‌رسد سرمایه اجتماعی بین‌المللی با برطرف کردن بسیاری از مشکلات رویکردهای پیشین، از مزیت‌های قابل توجهی برخوردار باشد؛ زیرا همچنان که ماده و معنا و کل و جزء را در کنار یکدیگر مورد توجه قرار می‌دهد، امکان بهره‌گیری از روش‌های اثبات‌گرا و غیراثبات‌گرا را نیز فراهم می‌کند و از «روش‌شناسی سازه‌نگاری که واقعیت را به عنوان یک برساخته بین‌ذهنی اجتماعی و حاصل تعامل ساختار-کارگزار می‌داند» (Moeini-e Alamdari and Rasekhi, 2010: 184) بهره می‌برد. برای به کارگیری این چارچوب در تبیین روابط ایران و عربستان نیازمند تبیین دقیق‌تر مبانی مفهومی و نظری سرمایه اجتماعی بین‌المللی نیز هستیم که در ادامه به آن می‌پردازیم.

۱-۲-۳. مفهوم سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی نیز مانند دیگر مفاهیم علوم اجتماعی و انسانی دارای تعاریف متعدد و متفاوت

است. پی‌یر بوردیو سرمایه اجتماعی را «مجموع منابع واقعی یا بالقوه که از طریق شبکه‌های بادوام روابط کم و بیش نهادینه شده "آشنایی" و "شناخت متقابل" تشکیل شده‌اند»، می‌داند؛ «شبکه‌ای که هر یک از اعضای خود را از پشتیبانی جمعی برخوردار می‌کند و آنان را مستحق اعتبار می‌سازد» (Bourdieu and Wacquant, 1992: 119). کریستین گروتارد آن را به «سیستم‌هایی که منجر به یا ناشی از سازمان‌های اقتصادی و اجتماعی است»، تعریف می‌کند (Grootard, 1998). «سرمایه‌گذاری در روابط اجتماعی با بازده مورد انتظار در بازار» نیز تعریفی است که نان‌لین از سرمایه اجتماعی ارائه می‌کند. وی بر این باور است که این تعریف کلی با تفسیرهای تمام دانشمندان که در این رابطه به بحث و گفت‌وگو پرداخته‌اند، سازگار است (Lin, 2001: 35).

البته تعاریف سرمایه اجتماعی بسیار زیاد و گسترده هستند (Mosalanejhad, 2017: 70-71)؛ اما دو سنت نظری اصلی هنجاری و منبعی در رابطه با سرمایه اجتماعی وجود دارد؛ سنتی که سرمایه اجتماعی را به صورت هنجاری دیده، آن را اکسیری برای همه دردها معرفی می‌کند، اما سنتی که سرمایه اجتماعی را به عنوان یک منبع می‌شناسد، بر این باور تأکید می‌کند که سرمایه اجتماعی می‌تواند در خلق یا حفظ نابرابری مورد استفاده قرار گیرد. در این میان برخی نیز سعی در تلفیق این دو سنت نظری داشته‌اند. آنها به ابعاد عاملیتی و ساختاری سرمایه اجتماعی به صورت توأمان توجه دارند که این نوع نگاه، امکان توجه به اشکال چندگانه و همچنین نقش و کارکردهای مثبت و منفی سرمایه اجتماعی را فراهم کرده است. از مهم‌ترین اندیشمندان هر سنت نیز به ترتیب می‌توان به کلمن، بوردیو و جاناتان ترنر اشاره کرد. کلمن با استفاده از تمایز مر سوم بین کالاهای خصوصی و عمومی توضیح می‌دهد که سرمایه اجتماعی به عنوان نمونه کامل یک کالای عمومی است (Ghaffari, 2011: 74) که از طریق «تعهدات و انتظارات، ایدئولوژی، اطلاعات و هنجارها ایجاد و گسترش پیدا می‌کند» (Rezaei and Fathipour, 2013: 66). بدین ترتیب نه تنها قدرتمندان، بلکه ناتوانان و به حاشیه رانده شدگان نیز می‌توانند از آن بهره‌مند شوند (Gauntlett, 2011: 142)، اما کاربرد سرمایه اجتماعی در نزد بوردیو بر این درک استوار است که افراد چگونه با سرمایه‌گذاری بر روابط گروهی،

وضعیت اقتصادی خود را در فضای سلسله‌مراتبی (جامعه سرمایه‌داری) بهبود می‌بخشند (Tavasoli and Mousavi, 2005: 9). این در حالی است که ترنر با تلفیق دو سنت نظری هنجاری و منبعی، سعی در به نمایش گذاشتن تأثیرات انواع و اشکال قدیمی و جدید سرمایه اجتماعی در سطوح مختلف خرد، میانی و کلان بر سطح توسعه‌یافتگی و به ویژه توسعه اقتصادی جوامع دارد (Turner, 2009: 160-166).

۲-۲-۳. نسبت سرمایه اجتماعی بین‌المللی با سرمایه اجتماعی داخلی

در مجموع سه رابطه منطقی در مورد نسبت سرمایه اجتماعی بین‌المللی با سرمایه اجتماعی داخلی قابل شناسایی است: بر اساس رابطه منطقی اول، سرمایه اجتماعی بین‌المللی ادامه سرمایه اجتماعی داخلی است و تفاوتی ماهوی بین آنها وجود ندارد (Nasri, 2014: 321). بر اساس منطق دوم هیچ ارتباطی بین سرمایه اجتماعی داخلی و سرمایه اجتماعی بین‌المللی وجود ندارد و این دو کاملاً متمایز از یکدیگر هستند و بر اساس منطق سوم گرچه در بسیاری از مواقع سرمایه اجتماعی داخلی یک کشور بر میزان سرمایه اجتماعی بین‌المللی آن تأثیر می‌گذارد، اما سرمایه اجتماعی بین‌المللی لزوماً دنباله سرمایه اجتماعی داخلی نیست (Karimi, 2010: 73-77). بر اساس منطق سوم می‌توان سرمایه اجتماعی بین‌المللی را شامل نهادها، سازمان‌ها، روابط، گرایش‌ها، هنجارها و ارزش‌های حاکم بر روابط بین کشورها و همکاری آنها برای توسعه اقتصادی و سیاسی در جامعه بین‌المللی دانست. به عبارت دیگر، سرمایه اجتماعی بین‌المللی شامل آن دسته از روابطی است که تولید کالاهای مادی و غیرمادی را برای کشورها تسهیل می‌کند.

با پذیرش منطق سوم که معتقد است سرمایه اجتماعی بین‌المللی لزوماً دنباله سرمایه اجتماعی داخلی نیست مشخص می‌شود که سرمایه اجتماعی بین‌المللی از دیدگاه ما مفهومی مستقل (و در عین حال متأثر از سرمایه اجتماعی داخلی) است که وضعیت یک کشور را نه در سطح جامعه داخلی، بلکه در جامعه بین‌المللی نشان می‌دهد، اما برای آنکه این مفهوم به عنوان یک چارچوب نظری مورد استفاده و استناد قرار گیرد باید ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های آن به

صورت کاملاً دقیق و مشخص تبیین شوند تا امکان سنجش موضوع فراهم شود. در واقع مانند هر متغیر اجتماعی دیگر، سنجش مفهوم سرمایه اجتماعی از طریق کاهش سطح انتزاعی آن امکان پذیر است (Noghani and Asgharpour-e Masouleh, 2008: 37). یعنی در ابتدا باید این مفهوم به روشنی تعریف شود. در مرحله بعد باید انواع یا ابعادی برای آن مشخص شود، سپس برای هر کدام از این انواع و ابعاد، شاخص‌هایی تعیین شود تا امکان سنجش دقیق آن فراهم گردد.

۴. یافته‌ها

۴-۱. ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های سرمایه اجتماعی بین‌المللی

بر اساس آنچه از تعاریف متعدد سرمایه اجتماعی می‌توان استنباط و استخراج کرد، سرمایه اجتماعی بین‌المللی دارای چهار بعد اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است که هر کدام از این ابعاد نیز دارای مؤلفه‌ها و شاخص‌های خاص خود هستند. این مؤلفه‌ها در بعد اجتماعی عبارتند از اعتماد^۱، مشارکت^۲ و مسئولیت اجتماعی بین‌المللی^۳، در بعد فرهنگی عبارتند از توان و آگاهی فرهنگی، در بعد سیاسی عبارتند از مشروعیت و امنیت و در نهایت در بعد اقتصادی نیز عبارتند از وضعیت فضای کسب و کار و موقعیت بین‌المللی. در ادامه به منظور تبدیل این مؤلفه‌ها به متغیرهایی قابل اندازه‌گیری، از میان شاخص‌های بین‌المللی معتبر شاخص‌هایی را که گویای این ابعاد و مؤلفه‌ها باشند در نظر می‌گیریم.

با توجه به معیارهای ذکر شده به منظور تعیین میزان اعتماد جامعه بین‌المللی به کشورها از دو شاخص جهانی شدن اجتماعی^۴ (ر.ک: The Global Economy, 2016a) و فساد اداری (ر.ک: Transparency International, 2015) که هر کدام زیر شاخص‌های متنوع و متعددی را پوشش می‌دهند بهره می‌بریم. شاخص صلح جهانی^۵ را برای سنجش میزان مشارکت مورد توجه قرار

1. International Trust
2. International Participation
3. International Responsibility
4. Social Globalization
5. Global Peace Index

می‌دهیم (ر.ک: Global Peace Index, 2016). به منظور سنجش مسئولیت بین‌المللی کشورها نیز از دو شاخص عملکرد محیط زیست^۱ (ر.ک: EPI, 2016) و رفاه اجتماعی استفاده می‌شود (ر.ک: Legatum Institute, 2015).

مؤلفه توان فرهنگی را با شاخص‌های شکاف جنسیتی^۲ و توسعه انسانی مورد بررسی قرار می‌دهیم. شاخص نخست چارچوبی برای تشخیص نابرابری‌های جنسیتی فراهم می‌آورد (ر.ک: GGGR, 2015). شاخص دوم نیز یک زندگی سالم و طولانی، آگاه بودن و یک زندگی استاندارد مناسب را پوشش می‌دهد (ر.ک: UNDP, 2015). نرخ دسترسی به اینترنت و شاخص توریسم نیز مؤلفه آگاهی فرهنگی را مورد سنجش قرار می‌دهند (World Bank, 2015; 2016).

جهانی شدن سیاسی^۳ و دموکراسی، شاخص‌های مؤلفه مشروعیت در بعد سیاسی را شامل می‌شوند. شاخص نخست بر مشارکت و همکاری کشورها در سطح جامعه بین‌المللی متمرکز است (ر.ک: The Global Economy, 2016b). به منظور سنجش شاخص دموکراسی نیز از داده‌های مؤسسه صلح سیستماتیک استفاده می‌شود (ر.ک: Systemicpeace, 2014). مؤلفه امنیت در بعد سیاسی نیز شامل شاخص‌های تروریسم^۴ و هزینه‌های نظامی است. شاخص نخست میزان آسیب‌پذیری کشورها از تروریسم را مورد سنجش قرار می‌دهد (ر.ک: Terrorism Index, 2015) و شاخص هزینه‌های نظامی (ر.ک: SIPRI, 2015) را نیز به عنوان یک شاخص با اثرگذاری منفی بر سرمایه اجتماعی بین‌المللی کشورها مورد توجه قرار می‌دهیم.

بعد اقتصادی نیز شامل دو مؤلفه فضای کسب و کار و موقعیت بین‌المللی است، در مؤلفه نخست شاخص‌های آزادی^۵ و پیچیدگی اقتصادی^۶ مورد توجه قرار می‌گیرند. شاخص آزادی اقتصادی با استفاده از ده زیرشاخص، وضعیت اقتصادی کشورها را بررسی می‌کند (ر.ک: Heritage Foundation, 2016). شاخص پیچیدگی اقتصادی نیز ساختار نگهداری و ترکیب

-
- 1.Environmental Performance
 - 2.Globl Gender Gap
 - 3.Political Globalization
 - 4.Terrorism Index
 - 5 .Economic Freedom
 - 6 .Economic Complexity

دانش در راستای تولید ملی در کشورها را بازتاب می‌دهد (ر.ک: Atlas Media, 2014). مؤلفه دوم نیز شامل شاخص‌های جهانی شدن اقتصادی^۱ و رقابت‌پذیری^۲ است. جهانی شدن اقتصادی دو بعد دارد: جریان اقتصادی واقعی و محدودیت‌های تجارت و سرمایه که هر کدام زیرشاخص‌های خاص خود را دارند (The Global Economy, 2016c). در رابطه با شاخص دوم نیز از داده‌های مجمع جهانی اقتصاد که کلیه عوامل دخیل در ساختار اقتصادی یک کشور و سطح بهره‌وری آن را با استفاده از ۱۰۰ سنجه مختلف در قالب دوازده شاخص مورد ارزیابی قرار می‌دهد (ر.ک: Weforum, 2016) استفاده می‌کنیم. مجموع این ابعاد، مؤلفه‌ها، شاخص‌ها، مقیاس و طیف آن‌ها را می‌توان در جدول زیر مشاهده کرد:

رویکرد	ابعاد	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها	مقیاسی	طیف
اجتماعی	اعتماد	مشارکت	فساد اداری - مالی	رتبه	۰ تا ۱۰
			جهانی شدن اجتماعی	رتبه	۰ تا ۱۰۰
	مسئولیت اجتماعی	رفاه اجتماعی	مشارکت در صلح	رتبه	۰ تا ۱۰
			عملکرد محیط زیست	رتبه	۰ تا ۱۰۰
فرهنگی	توان فرهنگی	آگاهی فرهنگی	شکاف جنسیتی	رتبه	۰ تا ۱
			توسعه انسانی	رتبه	۰ تا ۱۰۰
	مشروعیت	امنیت	نرخ دسترسی به اینترنت	درصد	۰ تا ۱۰۰
			تورسیم	عدد نفر	۰ تا ۱۰۰
اقتصادی	موقعیت بین‌المللی	فضای کسب و کار	جهانی شدن سیاسی	رتبه	۰ تا ۱۰۰
			دموکراسی	عدد	۰- تا ۱۰+
	رقابت‌پذیری	رقابت‌پذیری	تورسیم	رتبه	۰ تا ۱۰
			هزینه‌های نظامی	عدد	میلیون دلار
موقعیت بین‌المللی	موقعیت بین‌المللی	آزادی اقتصادی	رتبه	۰ تا ۱۰	
		پیچیدگی اقتصادی	رتبه	۱ تا ۱۵۰	
			جهانی شدن اقتصادی	رتبه	۰ تا ۱۰۰
			رقابت‌پذیری	رتبه	۱ تا ۷

۲-۴. روش سنجش سرمایه اجتماعی بین‌المللی

سنجش سرمایه اجتماعی بین‌المللی به دلیل مطالعات اندک صورت گرفته در این سطح با دشواری‌های بسیاری مواجه است. گرچه در سال‌های اخیر تعدادی از کشورها و سازمان‌های

1. Economic Globalization
2. Global Competitiveness

بین‌المللی پژوهش‌های مربوط به سرمایه اجتماعی را آغاز کرده‌اند، ولی موضع آنها در مورد مدل‌های مفهومی مورد استفاده، به صورت صریح بیان نشده است (Alavi, 2001: 15). از طرف دیگر، ابزارها و سنجه‌های مورد استفاده در شاخص‌ترین مطالعات در این زمینه نیز با یکدیگر متفاوت بوده است. در واقع گرایش‌های متفاوتی در این زمینه وجود دارد و این وضعیت، استفاده از نتایج به دست آمده را نه تنها در عرصه بین‌المللی، بلکه حتی در عرصه داخلی نیز بسیار دشوار ساخته است (Shareapoor, 2008: 68-69). با این وجود، گام اساسی برای سنجش سرمایه اجتماعی بین‌المللی پس از تعریف این مفهوم، تعیین روش و نحوه سنجش میزان آن است که برای این کار از فرمول خطی ریاضی زیر استفاده می‌کنیم:

$$ISC = (SD + CD + PD + ED)$$

بر اساس این فرمول، میزان سرمایه اجتماعی بین‌المللی (ISC) عبارت است از حاصل جمع میزان سرمایه اجتماعی بین‌المللی یک کشور در ابعاد اجتماعی (SD)، فرهنگی (CD)، سیاسی (PD) و اقتصادی (ED). البته همه این شاخص‌ها برای محاسبه سرمایه اجتماعی بین‌المللی به صورت یکسان ارایه نشده‌اند. تفاوت در مقیاس و طیف سنجش از یک سو و تفاوت در تعداد کشورهای مورد سنجش (حتی در هر شاخص در سال‌های مختلف) مستلزم این است که قبل از اقدام به محاسبه سرمایه اجتماعی بین‌المللی نسبت به یکسان‌سازی آنها نیز اقدام شود. با رعایت تمام این نکات، میزان سرمایه اجتماعی بین‌المللی ایران و عربستان به تفکیک ابعاد اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی استخراج شد تا زمینه برای سنجش تأثیر آن بر روابط دو کشور فراهم شود.

-
- 1.Social Dimension
 - 2.Cultural Dimension
 - 3.Political Dimension
 - 4.Economic Dimension

۳-۴. سنجش سطح روابط ایران و عربستان

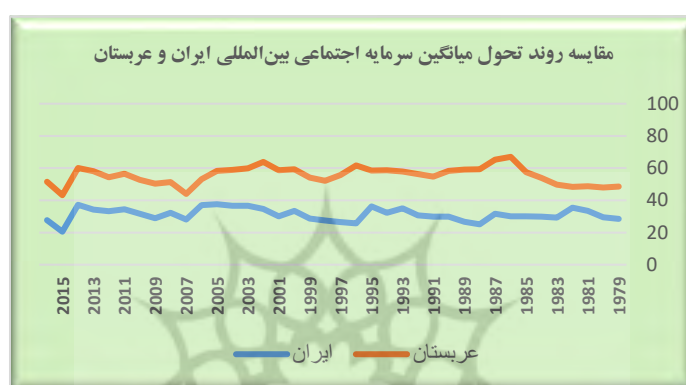
برای آنکه تأثیر سرمایه اجتماعی بین‌المللی بر روابط ایران و عربستان را بتوانیم درک و تحلیل کنیم بایستی میان نوسان در سرمایه اجتماعی بین‌المللی دو کشور و نوسان در روابط آنها ارتباط برقرار کنیم. برای دستیابی به این هدف لازم است در عین توجه به نقاط عطف تاریخی که نشانگر ادوار مختلف روابط دو کشور هستند، به ابعاد روابط آنها نیز توجه نماییم. بر این اساس، روابط ایران و عربستان پس از انقلاب اسلامی بر اساس نقاط عطف تاریخی به چهار دوره زمانی: از پیروزی انقلاب اسلامی تا شروع دولت سازندگی (۱۳۶۸-۱۳۵۷)، دوران سازندگی و اصلاحات (۱۳۶۸-۱۳۸۳)، دوران اصول‌گرایی (۱۳۹۱-۱۳۸۴) و دوران اعتدال‌گرایی یعنی از سال ۱۳۹۲ به بعد تقسیم می‌شود. همچنین برای بررسی ابعاد روابط دو کشور نیز همانند ابعاد چهارگانه سرمایه اجتماعی بین‌المللی از ابعاد چهارگانه اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی استفاده می‌شود.

برای اینکه بتوانیم میزان تأثیر هر یک از ابعاد و همچنین میانگین کل سرمایه اجتماعی بین‌المللی را بر ابعاد و کل روابط ایران و عربستان مورد بررسی قرار دهیم بایستی سطح روابط آنها را نیز مانند سرمایه اجتماعی بین‌المللی آنها کمی و سنجش‌پذیر کنیم. بدین منظور روابط ایران و عربستان را به هشت سطح (از جنگ با امتیاز صفر، روابط خصمانه (۰-۱۵)، روابط تنش‌آمیز (۱۵-۳۰)، رقابت (۳۰-۴۵)، بیطرفی (۴۵-۵۵)، همکاری نزدیک (۵۵-۷۰)، روابط دوستانه (۷۰-۸۵) تا هم‌پیمانی با امتیاز ۱۰۰) تقسیم‌بندی نموده و بر این اساس میزان همبستگی دو متغیر و ابعاد و شاخص‌های آنها را بر اساس تحول در وضعیت سرمایه اجتماعی بین‌المللی دو کشور از یکسو و سطح روابط آنها از سوی دیگر مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۵. تجزیه و تحلیل

بر مبنای چارچوب ارائه شده، سرمایه اجتماعی بین‌المللی ایران و عربستان در ابعاد چهارگانه اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در عین تفاوت در هر بعد، نوسانات بسیاری را نیز در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی داشته‌اند. بر اساس محاسبات صورت گرفته، ایران بالاترین میزان سرمایه اجتماعی بین‌المللی را با میانگین رتبه ۳۸ در سال ۲۰۰۵ و کمترین میزان

را با میانگین رتبه ۲۱ در سال ۲۰۱۵ به ثبت رسانده است. در مقابل، عربستان با میانگین رتبه ۶۷ در سال ۱۹۸۶ بالاترین و با میانگین رتبه ۴۳ در سال ۲۰۱۵ کمترین میزان سرمایه اجتماعی بین‌المللی را به خود اختصاص داده است. روند تحول سرمایه اجتماعی بین‌المللی ایران و عربستان پس از پیروزی انقلاب اسلامی در نمودار زیر نشان داده شده است:



البته میانگین سرمایه اجتماعی بین‌المللی ایران و عربستان در ابعاد مختلف و همچنین در ادوار مختلف متفاوت بوده است. همچنان که در نمودار زیر می‌توان مشاهده کرد، بیشترین میزان سرمایه اجتماعی بین‌المللی ایران با مقدار ۳۸ در بعد فرهنگی و سپس به ترتیب در ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی با مقدار ۳۵، ۳۴ و ۳۰ بوده است. میانگین کل ابعاد برای ایران ۳۴ بوده است، در حالی که میانگین کل ابعاد سرمایه اجتماعی بین‌المللی عربستان ۵۵ بوده و این کشور نیز بیشترین میزان سرمایه اجتماعی بین‌المللی خود را با مقدار ۵۸ در بعد فرهنگی و سپس به ترتیب در ابعاد اجتماعی، سیاسی و اقتصادی با مقادیر ۵۵، ۵۳ و ۵۳ داشته است:



هرچند مقایسه روند تحول و میانگین ابعاد و کل سرمایه اجتماعی بین‌المللی ایران و عربستان به خوبی نشانگر وضعیت آنهاست، اما از آنجا که هدف ما درک دقیق و درست تأثیر این متغیر بر روابط دو کشور است بایستی داده‌های به دست آمده از سرمایه اجتماعی بین‌المللی را با ادوار چهارگانه مطرح شده در روابط ایران و عربستان تطبیق دهیم. تطبیق این داده‌ها بر اساس حاصل جمع ابعاد اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی روابط دو کشور در نمودار زیر نشانگر میزان همبستگی میان میانگین کل سرمایه اجتماعی بین‌المللی ایران و عربستان از یکسو و سطح روابط آنها از سوی دیگر است:



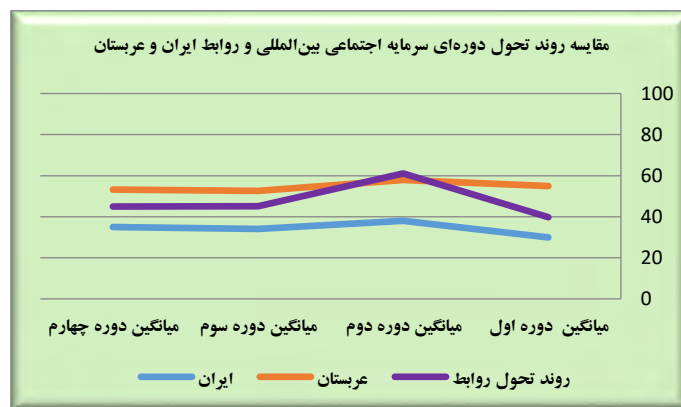
میانگین کل سرمایه اجتماعی بین‌المللی ایران و عربستان در دوره اول روابط دو کشور به ترتیب ۳۰ و ۵۵ بوده است. فاصله ۲۵ درصدی میان سرمایه اجتماعی بین‌المللی دو کشور با امتیاز ۲۸ که برای سطح روابط دو کشور به دست آمده حاکی از وجود تنش در روابط آنها در این دوره است.

میانگین کل سرمایه اجتماعی بین‌المللی ایران و عربستان در دوره دوم به ترتیب ۳۸ و ۵۸ بوده که نسبت به دوره قبل هر کدام ۸ و ۳ درصد افزایش داشتند و باعث کاهش ۵ درصدی فاصله سرمایه اجتماعی بین‌المللی دو کشور شد. روند صعودی سرمایه اجتماعی بین‌المللی دو کشور نسبت به دوره قبل با افزایش امتیاز سطح روابط دو کشور به امتیاز ۶۱ همخوانی دارد. این افزایش را می‌توان در حوزه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی مشاهده نمود.

میزان کل سرمایه اجتماعی بین‌المللی ایران و عربستان در دوره سوم روابط دو کشور به ترتیب ۳۴ و ۵۳ بود که هر دو کشور نسبت به دوره قبل به ترتیب با کاهش ۴ و ۵ درصدی در این زمینه مواجه شدند، این وضعیت نیز با میانگین امتیاز ۳۰ در روابط دو کشور همخوانی دارد.

میانگین کل سرمایه اجتماعی بین‌المللی ایران و عربستان در دوره چهارم روابط دو کشور نیز به ترتیب ۳۵ و ۵۳ بوده است که نسبت به دوره قبل برای ایران با افزایش یک درصدی مواجه بوده، اما در وضعیت عربستان تغییری حاصل نشده است. این وضعیت هم با افزایش اندک امتیاز سطح روابط دو کشور به ۳۳ متناسب است.

میانگین سرمایه اجتماعی بین‌المللی ایران در کل چهار دوره ۳۴ و میانگین کل سرمایه اجتماعی بین‌المللی عربستان در کل چهار دوره ۵۵ و میانگین روابط دو کشور در کل چهار دوره ۴۰ است که از این حیث نیز ارتباط معناداری بین سطح سرمایه اجتماعی بین‌المللی و سطح روابط دو کشور می‌توان یافت. نمودار خطی زیر تطابق نسبی میانگین دوره‌ای سرمایه اجتماعی بین‌المللی ایران و عربستان و سطح روابط آنها یا به عبارت دیگر میزان همبستگی میان دو متغیر را به خوبی نشان می‌دهد:



۶. نتیجه گیری

روابط ایران و عربستان در سال‌های پس از انقلاب اسلامی بسیار پر فراز و نشیب بوده و این وضعیت باعث جلب توجه بسیاری از محققین و پژوهشگران به تحولات روابط دو کشور شده است، با این وجود دیدگاه‌ها و نظریات موجود اغلب قادر به تبیین مقاطع یا دوره‌هایی خاص از روابط دو کشور بوده‌اند و با تقلیل‌گرایی یا کل‌گرایی مواجه هستند. یکی از دلایل این مشکل از آنجا نشأت می‌گیرد که این رویکردها از رهیافت‌هایی نظری در روابط بین‌الملل ناشی می‌شوند که هر کدام از آنها در مبانی شان با نقدهای عمده‌ای از سوی نظریه‌های رقیب مواجه بوده‌اند. به عبارت دیگر، رویکردهای موجود از نظریه‌های مسلط روابط بین‌الملل که همگی آنها مادی‌گرا یا معناگرا، ساختارمحور یا کارگزارمحور و در نهایت اثبات‌گرا یا غیراثبات‌گرا بوده‌اند بهره برده‌اند و همگی آنها در نهایت دولت را به عنوان بازیگر اصلی به رسمیت شناخته‌اند و از توجه به سرمایه اجتماعی بین‌المللی که جامعه جهانی و نه بین‌المللی را به عنوان زمینه کنش مورد توجه قرار می‌دهد، غافل مانده‌اند.

ادعای اصلی این مقاله آن است که سرمایه اجتماعی بین‌المللی یک کشور، نه تنها می‌تواند در روابط کشورها با یکدیگر تأثیر داشته باشد، بلکه می‌تواند نوسان در روابط آنها را نیز تبیین کند. بر این اساس با نقد مبانی هستی‌شناختی رویکردهای موجود سعی کردیم به تلفیق کارگزار و ساختار برسیم. از حیث معرفت‌شناختی نیز تلاش شد مادی‌گرایی و معناگرایی در کنار هم قرار گیرند. در نهایت، در مبحث روش‌شناختی نیز کوشیدیم با بهره بردن از روش‌های اثبات‌گرا در کنار غیراثبات‌گرا، امکان شناخت بهتری فراهم شود. با تجدید نظر در این مبانی و تبیین سرمایه اجتماعی بین‌المللی به عنوان رویکردی متفاوت، واقعیت‌های قابل توجهی در مورد روابط ایران عربستان حاصل شد که بر اساس آن به وضوح می‌توان گفت، نوسان در روابط ایران و عربستان متأثر از نوسان در سرمایه اجتماعی بین‌المللی آنها بوده است. به عبارت دیگر یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که هر زمان سرمایه اجتماعی بین‌المللی دو کشور به طور همزمان شروع به رشد کرده، روابط آنها از حالت تنش و رقابت خارج شده و به سمت روابط دوستانه و همکاری

سوق پیدا کرده است. در مقابل زمانی که سرمایه اجتماعی بین‌المللی دو کشور همزمان با هم شروع به نزول کرده، اغلب روابط دو کشور از حالت رقابت نیز دور شده و آنها در مسیر تنش و خصومت گام برداشته‌اند. همچنین هرگاه سرمایه اجتماعی بین‌المللی یک کشور افزایش یافته و سرمایه اجتماعی بین‌المللی کشور مقابل کاهش یافته نیز روابط دو کشور به سمت تنش و خصومت سوق پیدا کرده است. این گزاره‌ها به وضوح حکایت از آن دارند که همبستگی معناداری میان سرمایه اجتماعی بین‌المللی و روابط ایران و عربستان در سال‌های پس از انقلاب اسلامی وجود داشته است.

۷. قدردانی

نویسندگان مقاله مراتب قدردانی خود را از گروه علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی که فرصت انجام این تحقیق را فراهم کرده اعلام می‌نمایند.



Reference

1. Adami, Ali, Najmieh Pouresmaeili (2012), "Saudi Arabia and Iran: The Islamic Awakening Case", Iranian Review of Foreign Affairs, Vol. 3, No. 4, winter 2013, pp. 153-178.
2. Aghaei, Davood and Hassan Ahmadian (2010), "Islamic Republic of Iran and Saudi Arabia Relations; Fundamental Challenges and Future Possibilities", Journal of Politics, Vol. 40, No. 3, Pages 1-19. **[In Persian]**.
3. Alawi, Sayed Babak (2001), "Social Capital", Tadbir Monthly, Vol. 12, No. 116. **[In Persian]**.
4. Alghunaim, Ghadah Ghunaim Rashid (2014), "Conflict between Saudi Arabia and Iran: an Examination of Critical Factors Inhibiting Their Positive Roles in the Middle East", Nova Southeastern University, Available At: http://nsuworks.nova.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1018&context=sh_ss_dcar_etd.
5. Asadi, Ali Akbar (2013), "Relations between Iran and Saudi Arabia during the Period of Moderation: Grounds and Obstacles", Office of Political Studies, Research Center of the Islamic Consultative Assembly, No. 13288. **[In Persian]**.
6. Atlas Media (2014), "Economic Complexity Rankings", Available At: <http://atlas.media.mit.edu>.
7. Barzegar, Kayhan (2003), "Political Interactions of Iran-Saudi Arabia after September 11", Rahbord-e Jharfna, No. 23, pp. 195-231. **[In Persian]**.
8. Bourdiue, Pierr and Loice Wacquant (1992), An Invitation to Reflexive Sociology, Chicago: Yniversity of Chicago.
9. Dehsheiar, Hossein (2009), "Two Pillars of the United States Coin in the Middle East", Middle East Strategic Studies Research Institute. Available at: <http://fa.cmess.ir/View/tabid/127/ArticleId/1015/.aspx>. **[In Persian]**.
10. Ekhtiari Amiri, Reza, Ku Hasnita Ku Samsu (2011), "Security Cooperation of Iran and Saudi Arabia", International Journal of Business and Social Science, Available At: http://ijbssnet.com/journals/Vol_2_No_16_September_2011/28.pdf.
11. EPI (Environmental Performance Index) (2016), "Environmental Performance Index", Available At: <http://epi.yale.edu>.
12. Gauntlett, David (2011), Making is Connectingg: The Social Meaning of Creativity, Available At: <http://www.makingisconnecting.org/gauntlett2011-extract-sc.pdf>.
13. GGGR (Global Gender Gap Report) (2015), Available At: https://en.wikipedia.org/wiki/Global_Gender_Gap_Report.

14. Ghaffari, Gholamreza (2011), Social Security and Police, Tehran: Jameehshenasan Publication. **[In Persian]**.
15. Ghalibaf, Mohammad Bagher, et.al (2008), "Impacts of Dimensions of Social Capital on Border Security Case Study: Nowsood, Paveh Township, Kermanshah Province", International Quarterly of Geopolitics, Vol. 4, No. 12, pp. 25-50.
16. Ghorbani, Fahimeh (2012), "The Roots of Tension in Iran and Saudi Arabia Relations". Available at: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1902870>. **[In Persian]**.
17. Global Peace Index (2016), "Global Peace Index", Available At: <http://162.243.170.40/#/page/indexes/global-peace-index>.
18. Grootared, Christan (1998), Social Capital: The Missing Link? Social Capital Initiative Working, World Bank, Washington D. C.
19. Grumet, Tali Rachel (2015), "New Middle East Cold War: Saudi Arabia and Iran's Rivalry", Electronic Theses and Dissertations, Paper 1028. Available At: <http://digitalcommons.du.edu/cgi/viewcontent?article=2027&context=etd>.
20. Hadian, Hamid (2006), "Exploring the Relationship between Iran and Saudi Arabia in the Light of New Regional Conditions", Zharphna, pp. 79-96. **[In Persian]**.
21. Hafezian, Mohammad Hussein (2009), "Relations between Iran and the Arabian Gulf States: Future Prospects", Middle East Studies Quarterly, Vol. 16, No. 2, pp. 7-28. **[In Persian]**.
22. Harati, Mohammad Javad et.al (2015), "Reflecting the New Political Order of Iraq on the Relations between Iran and Saudi Arabia," Journal of World Politics, Vol 4, No. 3, pp. 169-197. **[In Persian]**.
23. Heritage Foundation (2016), "Index of Economic Freedom", Available At: <http://www.digitalheritage2015.org/>.
24. Ibrahimifar, Tahereh (1999), "Investigating the Causes of Divergence in the Persian Gulf Region", Foreign Policy, Vol. 13, No. 2, pp. 379-396. **[In Persian]**.
25. Jahner, Ariel (2012), "Saudi Arabia and Iran the Struggle for Power and Influence in the Gulf", International Affairs Review, volume xx, Number 3, Available At: <http://www.iar-gwu.org/node/413>.
26. Jalinus, Ahmed et.al (2014), "The Divergent Role of the United States in the Persian Gulf after September 11," World Politics Quarterly, Vol. 3, No. 4, pp. 183-213. **[In Persian]**.
27. Janseis, Ahmed et.al (2014), "Iran and Saudi Conflict in the Syrian Crisis", Political Studies in the World of Islam, Vol. 3, No. 12, pp. 67-92. **[In Persian]**.

28. Javdani Moqaddam, Mahdi (2012), "New Geopolitics of Shiism in the Middle East and Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran", *International Quarterly of Geopolitics*, Vol. 8, No. 26, pp. 29-62.
29. Karimi, Mostafa (2010), "Investigating the Role and Developments of the Social Capital of Iran's Society in the Sacred Defense Era", *Negin-e Iran*, Vol. 9, No. 35, pp. 69-92. **[In Persian]**.
30. Karimian-e Habili, Karamreza and Hengameh Alborzi (2015), "Media Wars: The Challenge of the Shiite-based Islamist Model of Iran and the Wahhabi-based Model of Saudi Arabia", *International Political Studies Quarterly*, No. 24, pp. 213-238. **[In Persian]**.
31. Khezri, Ehsan et.al (2015), "The Origins of Iran-Saudi Conflicts (Case Study of Iraq, Bahrain, and Yemen)", *International Political Research Quarterly*, No. 21, pp. 179-207. **[In Persian]**.
32. Legatum Institute (2015), "The Legatum Prosperity Index", Available At: <http://www.prosperity.com/rankings>.
33. Lin, Nan (2001), *Social Capital a Theory of Social Structure and Action*, New York: Cambridge University, Available At: <http://www.insna.org/PDF/Keynote/1999.pdf>.
34. Mansouri Moghadam, Mohammad (2012), "The Element of Identity and Its Impact on Saudi Arabia's Foreign Policy toward the Islamic Republic of Iran", *Journal of Parliament and Strategy*, Vol. 19, No. 72, pp. 77-99. **[In Persian]**.
35. Mirtorabi, Tahereh (2011), "America and the Persian Gulf Stability in Iran-Saudi Geopolitical Contest", *Journal of Fairness Diplomacy*, pp. 155-174. **[In Persian]**.
36. Mosalanejhad, Abbas (2012), "Explanation Shiite Identity Seeking and the Middle East's New Geopolitics", *International Quarterly of Geopolitics*, Vol. 8, No. 25, pp. 135-171.
37. Mosalanejhad, Abbas (2014), "Geopolitics of Identity and Security Policy in the Regional Balance of the Middle East", *International Quarterly of Geopolitics*, Vol. 10, No. 34, pp. 70-98.
38. Mosalanejhad, Abbas (2017), "Social Capital and Strategic Self-reliance in National Development Process", *International Quarterly of Geopolitics*, Vol. 13, No. 46, pp. 67-92.
39. Mottaghi, Afshin (2015), "Analysis of the Conflicts in the Relations of Iran and Saudi Arabia from the Perspective of Constructivism Theory", *Strategic Research of Politics Quarterly*, Vol. 2, No. 42, pp. 141-161. **[In Persian]**.
40. Mousavi, Seyyed Mohammad and Rami Bakhshi Tellyabi (2012), "The Impact of Ideological Issues on Saudi Foreign Policy toward Iran since

- 2003", International Political Research Quarterly, Vol. 11, pp. 99-61. **[In Persian]**.
41. Naderi Nasab, Parviz (2010), "The Challenges of Islamic Republic of Iran and Saudi Arabia Relations in the Region", Politics Quarterly, Vol. 40, No. 1, pp. 315-336. **[In Persian]**.
 42. Naderian, Hussein (2012), "The Roots of Iran and Saudi Arabia Contests at the Regional and International Levels". Available at: <http://yazahra-z.blogfa.com/post/109>. **[In Persian]**.
 43. Nasri, Ghadir (2014), Vital Regions of the Middle East, Tehran: Imam Sadiq University Publication. **[In Persian]**.
 44. Nejat, Seyyed Ali (2014), "Strategies of the Islamic Republic of Iran and Saudi Arabia towards the Syrian Crisis", Foreign Policy, Vol. 28, No. 4, pp. 631-655. **[In Persian]**.
 45. Niakuei, Seyyed Amir and Ali Asghar Sotoudeh (2015), "The Nature of Saudi Arabia's Strategy against the Islamic Revolution of Iran in the Conflicts of Syria and Iraq", Research Letter of the Islamic Revolution, Vol. 4, pp. 95-110. **[In Persian]**.
 46. Noghani, Mohsen and Ahmadreza Asgharpour-e Masouleh (2008), "A Comparative Study of Approaches and Indicators Used in the Measurement of Social Capital", Process of Management and Development, No. 68-69. **[In Persian]**.
 47. Nuralivand, Yasir (2017), "Saudi Arabia and the Attempt to Rebalance against Iran", Strategic Studies Quarterly, Vol. 20, No. 1, pp. 133-158. **[In Persian]**.
 48. Peak, Andrew Lee (2016), "The New Middle East Balance: In Iran's Favor, At Risk to Saudi Arabia". Available at: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1958528/>. **[In Persian]**.
 49. Rezaei, Ali Akbar and Arsalan Fathipour (2013), Social Capital, Concepts and Models of Measurement, Tehran: Culture and Civilization. **[In Persian]**.
 50. Rizwan, Muhammad, et al, (2014), "From Rivalry to Nowhere: A Story of Iran-Saudi Ties", IOSR Journal of Humanities and Social Science (IOSR-JHSS), Volume 19, Available At: <http://iosrjournals.org/iosr-jhss/papers/Vol19-issue9/Version-4/P0199491101.pdf>.
 51. Roohi Dehnebeh, Majid (2011), "A Conceptual Explanation of the Causes of Divergence between Iran and the Persian Gulf Cooperation Council", Foreign Relations Quarterly, Vol. 4, No. 1, pp. 79-112. **[In Persian]**.
 52. Roshandel, Jalil and Hossein Seifzadeh (2003), Internal, Regional and International Structural Conflicts in the Persian Gulf, Tehran: Center for Scientific Research and Strategic Studies in the Middle East. **[In Persian]**.

53. Sadeghi, Hossein and Hassan Ahmadian (2010), "Saudi Arabia; from Oil Hegemony to Regional Leadership", *Foreign Relations Quarterly*, Vol. 2, No. 3, pp. 137-170. **[In Persian]**.
54. Sadeghi-e Aval, Hadi et.al (2015), "Analysis of Iran-Saudi Relations from the Perspective of Motivational Realism Theory (2005-2015)", *International Political Research Quarterly*, No. 25, pp. 129-160. **[In Persian]**.
55. Saei, Ahmad and Mehdi Alikhani (2013), "A Study of the Conflict Cycle in the Relations between the IR Iran and Saudi Arabia", *Quarterly of Political Science*, Vol. 9, No. 22, pp. 129-153. **[In Persian]**.
56. Shahverdi, Hasan (2014), *The Impact of Ideological Conflict on Political Relations between Iran and Saudi Arabia from 2010-2014*, Master's Degree in Political Science, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabataba'i University. **[In Persian]**.
57. Shareapoor, Mahmood (2008), "The Global Trend in Social Capital Measurement: Effectiveness from Public Policy Area", *Process of Management and Development*, No. 68-69. **[In Persian]**.
58. Sharma, Anu (2016), "Severed Ties between Iran and Saudi Arabia: A Cold War or a Proxy War of Narratives, Influenced and Power", Available At: <https://www.academia.edu/%2021648224/>.
59. Shoja, Morteza (2006), "Regional Rivalries of Iran and Saudi Arabia and Balancing of Forces in the Middle East", *Political-Economic Ettelaat*, Vol. 239-240, pp. 40-53. **[In Persian]**.
60. SIPRI (Stockholm International Peace Research Institute) (2015), "Military Expenditure Data: 1988-2015", Available At: <https://www.sipri.org/databases/milex>.
61. Systemicpeace (2014), "Polity IV Individual Country Regime Trends, 1946-2013", Available At: <http://www.systemicpeace.org/polity/polity4.htm>.
62. Tabyin Strategic Center (2013), "The Iran-Saudi Conflict". Available at: <http://tabyincenter.ir/about-us/>.
63. Tavasoli, Gholam Abbas and Marzieh Mousavi (2005), "The Concept of Capital in Classical and New Theories, with an emphasis on Social Capital Theories", *Letter of Social Sciences*, Vol. 11, No. 26, pp. 1- 32. **[Persian]**.
64. Terrorism Index (2015), "Terrorism Index", Available At: <http://162.243.170.40/#/page/indexes/terrorism-index>.
65. The Global Economy (2016a), "Social Globalization Index", Available At: http://www.theglobaleconomy.com/rankings/kof_soc_glob/.
66. The Global Economy (2016b), "Economic Globalization Index", Available At: http://www.theglobaleconomy.com/rankings/kof_econ_glob/.